Human Sciences in the Third Generation of University
Phenomenological Analysis of the Barriers of the
Entrepreneur Human Sciences

Fatemeh Khoshnevisan
Abbas Abbaspour, Nematollah Fazeli, Mohammad Reza Neyestani

Abstract
The present study was conducted with the aim of a phenomenological investigation of the
barriers to entrepreneurship in the Human Sciences at university. The research method was
qualitative with a phenomenological approach. The study population included experts in
the field of human sciences and humanities. The purposeful research sampling method was
done, which was saturated theoretically with 12 people. The data collection tool was a
semi-structured interview. The research reliability of the data was confirmed by the criteria
of Lincoln and Guba (1985) and also the method of Denzin (1978) and Patton (1999). The
data analysis was an inductive method using a seven-step put forth by Colaizzi (1978). The
results showed that in the dimension of employment, two distinct, opposite, and consistent
views of the business of the humanities were appreciable. In the category of social
acceptance, reduced social status, applied reductions, cultural, spatial planning, discretion
in the discourse of the humanities, unknowing social knowledge, and knowledge in the
university. In the category of the developmental infrastructure of these sciences, we can
refer to objective growth, gender reversal, functional capability, digitization, conflicts of

* PhD Student of Higher Education Management, Allameh Tabataba’i University, Iran,
Fatemeh.khoshnevisan@yahoo.com
** Associate Professor, Allameh Tabataba’i University, Department of Management and Educational
Planning (Corresponding Author), abbaspour1386@gmail.com
*** Associate Professor of the Institute of Humanities and Cultural Studies, nfazeli@hotmail.com
**** Assistant Professor, University of Isfahan, Faculty of Psychology and Educational Sciences,
m.neyestani@gmail.com
Date received: 2020-05-18, Date of acceptance: 2020-11-07
power. In the category of humanities development, lack of the issue, the ability of humanities research, the entrepreneurship of the humanities, the possibilities for the internationalization of these sciences, and the emergence of interdisciplinary science can be enumerated.

**Keywords:** University, Academic Entrepreneurship, Third Generation University, Human Sciences, Phenomenology
علم انسانی در سپهر نسل سوم دانشگاه تحلیلی پیدایشانه
بر موانع علم انسانی کارآفرین

فاتحه خوشبویان

چکیده
پژوهش حاضر با هدف بررسی پیدایشنشانه موانع کارآفرینی علم انسانی در دانشگاه انجام گرفت. روش تحقیق کیفی-یا روشکریستال پیدایشنشانه بود. جامعه پژوهشی متنه مورد بررسی هدفمند متناسی بود که باید بر حسب اندیشانگاه نظری داده‌ها رشد و در طرح مصادفی نهایی ساختاری اطلاعات گردآوری شد. انتخاب اطلاعات گردآوری شده از معیار ارزیابی لیست‌کن و گویا (1985) و روش دنیزی (1971) و پاتون (1999) تایید شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها استقراً با استفاده از روش هفت مرحله‌ای کوئینزی (1971) انجام گرفت. پایه‌ها نشان داد این موانع در ۴ دسته جای گرفت. در این، اشغال زایی دو دیگر کاملاً متمایز، مخفف و مواقف کسب و کار علم انسانی قابل احتمال بود. در مقدمه این اتحادیات فروکاست مزدی اجتماعی، تقلیل کاری اجتماعی، تعاملی فرهنگی، تنزل در کفماک علوم انسانی، آگاهی و دانش اجتماعی نیاز و نیاز دانشگاه و در مضمون خصوصی‌های تسخیر از این علوم، رشد عینی و ارتباطی جنسی، قابلیت کارکردی، رقیمی، و نیز تاعومات متعاقب به فرآیند و در مضمون رشد علم انسانی، فکرده مسئله، قابلیت پژوهش‌های علم انسانی، 

Fatemeh.khoshnevisan@yahoo.com

abbaspour1386@gmail.com

rnfazeli@hotmail.com

m.neyestani@gmail.com

Copyright © 2018, IHCS (Institute for Humanities and Cultural Studies). This is an Open Access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution 4.0 International, which permits others to download this work, share it with others and Adapt the material for any purpose.
کلیدوواژه‌ها: دانشگاه، کارآفرینی دانشگاهی، دانشگاه نسل سوم، علم انسانی، پدیدارشناسی.

1. مقدمه

موانع کاربردی سازی علوم انسانی موضوع درخور توجهی است که به‌واسطه اهمیت یافتن مقوله کارآفرینی و تجارتی سازی جهان این علوم در صدر فنی‌گویی‌های علوم انسانی در دانشگاه‌ها قرار گرفته است. از اواخر دهه 1980، چکیده منابع و محتوای کارآفرینه به‌عنوان خالص علم صرف تا حدی رو به افزایش (Kirby, 2001) می‌شود، از آنجاییکه دانشگاه جربوری اصلاحات مهمی برای پاسخگویی به خواسته‌های جامعه را پیش‌برنیک باشد، پاسخ‌های استراتژیک و خلاق دانشگاه به جنین وضعیت مستلزم شکل‌گیری شکل جدیدی از دانشگاه بود که به‌عنوان دانشگاه کارآفرین (Wissema, 2009) ( آلگوی ارتباط دانشگاه، جامعه و ذیل‌ungan دیگر) را برقرار می‌کرد (Kirby, 2001). این در حالت بود که از یکم‌سو خطر کاهش ارزش بازار برای نظارت اموزش عالی و جذب دانشجویان افزایش خود衡阳ی، ظهور ساکتارهای تمایز را تقویت می‌کرد. در چنین روش‌که، بالاوی دانشگاهی دگرگون شد و Gibb, Haskins, & Gebhardt, Terra, & Etzkowitz, (2000) از این نگاه به سمت پیچیدگی و از اطمنی به عدم اطمینان می‌کردند. Roberton, 2013 و ماموریت جدیدی برای دانشگاه در نظر گرفته شد و به‌طور کلس‌دره کارآفرینی به‌عنوان یک واژنگی بی‌پایان برای سابقا تجربه جامعه مدرن و رددجوجه دانشگاه‌ها قرار گرفت (Chiru, Tachiciu, & Ciuchete, 2012). ماموریت سوم دانشگاه‌ها به‌وسیله به‌بیان تحقیق و توسعه و نوآوری از طریق درک مشترک از برنامه‌ها و نیازهای آینده دی نفعمن علاوه بر پیشین، آموزش عالی را فاقد ساخت تا ناپایه شناسایی شده را رضایی و جهت دیده کنن (Piireinen, Andersen, & Andersen, 2016) از آن پس دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در توسعه اقتصادی متغیر (Chiru, Tachiciu, & Ciuchete, 2012) را و انقلال نتیجه‌گیری مهمی ایفا کرده‌اند و همین امر منجر به تثبیت ماموریت سوم برای دانشگاه‌ها شد (Rinaldi, 2017).
تحولات نسلي دانشگاه پیان می‌کند دانشگاه‌های نسل اول، آموزش‌محور بودند. هدف این دانشگاه‌ها، آموزش و تربیت نیروی انسانی مختص يعمل بود. در اواخر قرن 19 که طی آن دانشگاه‌های پژوهش محور، به‌عنوان نسل دوم دانشگاه‌ها معرفی شدند و نقش اصلی این دانشگاه‌ها در پژوهش و تولید علم پررنگ‌تر بود. سپس اقلیت دانشگاهی دوم در نیمه دوم قرن بیستم پس از جنگ جهانی دوم اتفاق افتاد که طی آن دانشگاه‌های کارآفرین به عنوان نسل سوم به‌هدف تربیت نیروی انسانی کارآفرین و اربیت با صنعت‌پی با به‌صرفه‌بوده و توسط سایر مهارت‌های کارآفرینی، جز اهداف (Wissema,2009; Blankesteijn,van der Sijde & Sam,2019) و پژوهش‌داران. به نظر می‌رسد تغییر تقلیل گرانی و صرف‌ا造 کارآفرینی به کارآفرینی در نظام آموزشی منجر به یاداب‌سازی کودکی از خودانشالی در جامعه و شده است؛ این موضوع یک جالبی جدی‌تری برای جزوه کارآفرینی دانشگاهی است که ناشی از توسعت‌نامه‌های علم و فناوت در قوانین‌های ناشی از فهم‌های گوناگونی از کارآفرینی است. از این رو، نقش و اهمیت همه علوم به‌نام به‌فراز رساند و میزان ارزش‌داری آن‌ها به‌دیده شده است. برخی از علوم توانت‌اند و رهگذر کارآفرینی دانشگاهی، قابل توجهی کسب کننده این در حالی است که در این میان علوم انسانی مفهومی مانده است.

بررسی‌ها نشان داده‌اند کارآفرینی در دانشگاه نسل سوم به‌طورکلی تنا در جوی‌های مهندسی، پزشکی گالب است و نسبت به آن در زمینه‌های فلسفه، تاریخ، جامعه‌شناسی، Vallance,2017; Leon,2017; Blankesteijn,van der Sijde & Sam,2019، آموزش و پرورش و سایر جنبه‌های علوم انسانی کمی توجهی شده است. (A*kerlind, & Kayrooz,2003; Abreu, & Grinevich,2014; Pilegaard, Moroz, & Neergaard,2010)

در ایران فارغ از ارزیابی میزان موفقیت کارآفرینی دانشگاهی حتی در شکل رایج آن به‌ویژه در ایران که پژوهش‌های متعارف درباره آن انجام گرفته است (مهدو، مربوط به بنک راهداری، پورسگری، 1392؛ نادری، بین. 1392؛ اکبری، انساری و جاویدان 1392؛ عارف و چاهن، 1390؛ وکیلی و مهدو، 1387؛ قربانی و مربوط به بنک راهداری سری علوم انسانی یک مسئله مهم به شمار می‌رود که موانع قرار گرفته در نخود به یک مسئله راهبردی بدل شده است.
در اثری به نام "علوم انسانی از دیدگاه صاحب‌نظر، تأثیر فیوزت اصغیری" (١٣٩٣) که انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی آن را منتشر کرده آراء بیش از ٥٠ نفر اندیشمندان حویزه‌ای مختلف علوم انسانی گردآوری‌شده است در این میان اکثری بر این ایده‌ای شفهرده‌اند که علوم انسانی در ایران کاربردی نیست. فاضلی (١٣٩٥) مطرح می‌کند اکثر استادان علوم انسانی معقذان این علوم در ایران کارا نیست. به‌زعم شریعتی تریب، پورش و آموزش این علوم به‌درستی صورت نمی‌گیرد و هم‌اکنون آموزش‌های ایران شرایط قابلیت‌ها و توابلی‌ها لازم برای تربیت متخصص در این رشته‌ها را ندارند. درنتیجه محققان و متخصصان لازم در این رشته‌ها پوروها نمی‌یابند و رشد نمی‌کند (شریعتی، ١٣٩٣). زیباکلام یکی از علی‌علی‌مانندگی این علوم در ایران را موضوع با مشکل ترجمه‌ای بودن متن علوم انسانی و اجتماعی می‌داند (زیباکلام، ١٣٨٥).

همانطور که متصور است پیکی از کارکردهای دانشگاه برای جامعه بايد باید باشد که بنده کارشناسی کشور را در همه زمینه‌های صنعت و خدمات به منعی واقعی این تربیت کند و به پژوهش‌های نوسانی بردازد (متصوری، ١٣٨٢). این کارکرد در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی بسیار ضعیف است. به‌زعم برخی برای تحقق کارآفرینی علوم انسانی در رشته‌های مختلف علوم تربیتی، کتابداری، مدیریت، تربیت‌بندی، علوم اجتماعی، الهیات و روانشناسی گنجاندن محترم و بنامه‌های درسی در قالب مبانی کسب‌وکار، و موضوعات مربوط به بازاریابی در واحد‌های درسی دانشجویان الزامی است (صفری و سمعی زاده، ١٣٩١). این در حالی است که از دیدگاه برخی از پژوهشگران، توجه به علوم انسانی باید صرفاً از منظر اقتصادی با اداری و دیگری‌های کسب و کار صورت گیرد بلکه از منظر نوع فعالیت‌کننده و همچنین راه‌برای توسعه خلاقیت‌ها و قابلیت‌فرزند محقق شود. اگر دانش‌گاه‌ها به کارکرد این علوم توجه کنند در آن صورت دانش‌آموختگان این رشته‌ها افراد قابل و توابلی‌اند که برای دستیابی به شغل، کمتر به فرآیندهای شغلی از پیش می‌گردد. بنابراین آن خود رفتار‌های شغلی نشان را خلق می‌نمایند و به‌جای اینکه بهروز انسانی در جستجوی کار شوند، نیروی کارآفرین خواهند بود. این روابط سوم به مقیسه کارآفرینی دانشگاهی در قالب علوم انسانی کارآفرین است (فاضلی، ١٣٩٣).

علوم انسانی با سمال اختلالی پیچیده که جامعه درگیر آن شده تیز مرتبط است. علوم انسانی می‌تواند جامعه را به چالش بکشد. شهرت‌ران را قادر سازد که آنها میراث فرهنگی
علم انسانی در سه رنگ سوم دانشگاه تهران (قامته خوشبویان و دیگران)

83

را درک کنند و یا زمینه ضد انسجام ایجاد کنند. عملکرد علوم انسانی به روایت تاریخ
حفظ یا تخرب زبان، ادبیات، هنر، تاریخ، فلسفه و دین در جامعه بوده است. علوم انسانی
می تواند از ابرآ قدرت و سیاست به مونت تقویت یا تضعیف انسجام پرامون
مرات می باشد. شاهده تجربی نشان می دهد در بسیاری از کشورها عموم مردم بیشتر
علاقه مند به موضوعات مانند تاریخ، ادبیات و باستانشناسی هستند (Pearson, 2011).

علم در تحمل و درک بین شهرتوندان کمک خواهد کرد و مالاً منجر به انسجام اجتماعی
خواهد شد. این بدین معنا است که علوم انسانی پتانسیل تحلیل افرازیش داده و
نگرش‌ها و احساسات آن‌ها را تقویت می‌کند. در نقطه مقابل می‌تواند قدرت در
دیدگاه‌های مختلف را از طریق مطالعه فلسفه به آنها بدهد (Nussbaum, 2010)
علوم انسانی به زبان دیرگ زبانی، علوم کامپیوتر و مهندسی و طراحی امکن‌های
کرد. دانش‌های مختلف از آن قابل ارایه است؛ باستانشناسی بیش از هر رشته انسانی دیگر
منافع علوم طبیعی در زمینه علوم زیست‌محیطی و اقیانوسی را تأمین می‌کند (Pearson, 2011).

شواهد تحقیقات در هنر (ادبیات، هنرهای تجسمی و موسیقی) نشان می‌دهد تجربه‌های
در موسیقی شناسی تأثیراتی در روان‌شناسی و علوم مغزی داشته است (2011)
با یا واحد برای رسیدن به چنین وضعیت علوم انسانی با چالش‌های زیادی مواجه
است؛ در ژوشهای بر روی کیفیت چالش‌های فرا روزی علوم انسانی در جهان در حوزه‌های
مختلف بین‌المللی هدف علم، زیبایدی این علوم در اثر نظام دانشگاهی علوم انسانی
دیپتای (رقیه) شده، ضعف علوم میان رشته‌های ترجمه در علوم انسانی، سیاست‌های
دولتی و سیاست‌های مالی این علوم عواملی است (2015).

در ایران مطالعات قابل توجهی بر چالش‌های علوم انسانی معطوف شده است؛ چالش‌های
محیطی و وسیع، چالش‌های زبانی، اقتصادی، اجتماعی، چالش‌های نهادی
و فرهنگی، ضعف نبی نظری آموزش دانشگاهی و علوم انسانی (حاجی‌نیا، 1395) هریت
علمی علوم انسانی، سیاست‌گذاری، نهادهای پژوهشگر، بانک‌گزاری تجارتی، سازمانی و
ساختار تحقیقات (محمودی‌نیا، رحیمیان، عباسی و دلوار، 1391) چالش‌های علوم‌شناسی
دادرسا (1387) انجام‌شده است. با یلی وجود پژوهش در حوزه چالش‌های این علوم در
زمینه کارآفرینی در دست نیست.

خوانش ناصحاب از علوم انسانی به‌مانند علوم کم کارآمد در جامعه ایران باعث تبعیض
خود ارجاع ده در توزیع نقش رشته‌ها و کم عدنایی در ارزیابی سودمندی آن‌ها شده است.
ابن مسلمه برای رشته‌های علوم انسانی که تقسیم‌بندی کننده‌ای در معادلات فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور داردند و عمداً به دلیل ناگهانی از کارکردگان و فردایی دیدگاه‌های اقتصاد سرمایه‌داری در دام کم اقتصادی اقتصاد‌دان‌هایی مسئله‌ای بسیار جدی و باهمیت است. این روز لازم می‌شود نهایی بنی‌فرائه از علوم انسانی تا قابلیت‌های درونی علوم انسانی از طریق بازخوانی یا واکاوی پیوندهای علوم انسانی با جامعه با تکیه بر ماهیت کارکردی آن تحلیل شود.

اگرچه خلاصه موضوع را پیش از هر زمانی تبدیل به یک مسئله توهیتی می‌کند و وجود منافع تعارض آزمایش علوم انسانی در ارتباط به‌وزش در جنگ به‌عنوان است که مدل‌های در مکاتب، و قوانین مختلف اقتصادی از این علوم و انتشار جامعه، دولت و روش‌های با خاستگاه‌های غیرهمگنا است و همین امر سبب ساز افراشین و تازه‌گیری در این علوم در مقابل علوم دیگر و زیستی شده است. تفاوت گفتن علوم انسانی که برگرفته از ماهیت و رسالت آن است با مقادیر و اهداف کارآفرینی و خاتم‌گاه فکری آن روزگار مشاهده ایجاد کرده و همین امر مسئله اصلی پژوهش را صورت بندی می‌کند؛ چرا که قرارست از کارآفرینی به‌عنوان کاربردی سازی علوم، بخش قابل توجهی از علوم انسانی که با این زبان به روش‌های نوین و ایده‌آل را از تجربه کارآفرینی در دانشگاه‌ها خارج می‌کند. این امر در روان‌های معمول و رایج کارآفرینی دانشگاهی سهم قابل توجهی از این روش‌ها نمی‌توان باشد. تغییر کارآفرینی دانشگاهی از همین فکران شمولیت و تقلیل بافتگی آن به روش‌هایی خاصی می‌توان آغاز کرد. این توان اکثریت این علوم به دلیل خاصیت و قابلیت‌های ذاتی که دارد با روان‌سپاس کاریکان آن موانع جدی پیدا می‌کند و چنین قانعی بی‌شک علوم انسانی را در حوزه‌ای کارآفرینی یا چالش اعتماد می‌تواند. در نهایت رسوم مولید این علوم در دانشگاه‌ها هستند و پژوهش حاضر در همین راستا و با ویژگی‌های پیشرفت‌الزمانی درصد بررسی چالش‌های کاربردی سازی علوم انسانی است. با بررسی و معرفی آنها امکان تعمیق در این موضوع را پیش‌تر تقابلی، بر این اساس سوال پژوهش این است که بر مبنای تحلیل پیدایش‌شانه بر کارآفرینی دانشگاهی، علوم انسانی در نسل سوم دانشگاه با چه موانع مواجه است؟
روش پژوهش

روش پژوهش حاصل از منظر هدف، کاربردی و توسعه‌ای، از نظر ماهیت، کمی و یا ریکرد
پیداکنشنی است. پیداکنشنی یکی از رویکردهای پژوهش کمی متراکم بر تجرب
زنده‌گی انسان‌ها است دارای آمارهای تجربی تجربه رووزمره زندگی افزاد مطالعه
تا پیداکننده، که به‌طور طبیعی در حالی‌های معمول رخ می‌دهند، درک می‌شوند؛ این
جهت که جنبه‌های مختلف کارآفرینی به دلیل نوآوری بودن آن هنوز کشف نشده است
استفاده از روش پیداکنشنی بسیار مؤثرتر از سابر روش‌ها است (Davidsson, 2004).\[1]\nعلاله بر این به دلیل اینکه این روش ماهیت انتخابی دارد امکان مطالعه و درک عملی نتیج
به کارآفرینی به دست خواهند داد. تجربه مؤلفه کارآفرینان و ارزش‌ها و باورهای عمده‌ای از
روش پیداکنشنی‌ها قابل حصول است (Bann, 2007).

در این پژوهش برای تایید اعتبار داده‌ها از معیار ارزیابی لیست‌کن و گویا استفاده‌ای‌های خواهد
شد. این روشهای هن الاعتبار و هم یا پایای داده‌ها را تایید می‌کند. لیست‌کن و گویا معتقدند که
قابلیت و فیسیگن در تحقیقات کمی با پایایی در تحقیقات کمی مطلوب دارد. برای دریافت
پایایی در این روش پژوهش‌گر مصاحبه‌ها را بصورت موارد و چگال‌گی انجام داد و تایی
آنرا با یکدیگر مقایسه نمود. همسایه بالایی در چند مصاحبه به صورت تصادفی مشاهده
شد. شاخص‌های لیست‌کن و گویا شامل معنی‌های مولفه‌ای (Credibility)، قابلیت و فیسیگن
(Dependability)، انتقال‌پذیری (Transferability)، انتقال‌پذیری (Confirmability)، بذریعی
(Reflexivity) و هستند. برای نشان دادن موثرکند به‌نمک‌بندی دو کدکنار برای
کدگذاری داده‌ها استفاده کرد و درجه توانایی آنها نشان داد اعتبار داده‌ها قابل قبول بود. برای
افزایش انتقال‌پذیری از فن توصیف عمیق که عمداً برای مطالعات کمی و مورد نگاره
استفاده شد (Holloway, 1997). این به اثبات محقق و یک گروه با تدوین موضوع
برخاسته و یا محصل بر مصاحبه‌هایی مدل خود خود، اهمیت حالت‌های مهیج
(Colaizzi, 1978) قابل مشاهده‌ها گزارش کرده است. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش کولایزی
(1978) که به روش ۳ مرحله‌ای نیز معروف است استفاده شد.

جامعه پژوهش کلیه استادان دانشگاهی در رشته‌های علوم انسانی بودند که با مقوله
کارآفرینی در نظام آموزشی آشنا باشند. نمونه‌گیری در این پژوهش بر اساس نظیری داده‌ها
ادامه یافت. نمونه‌گیری به روش هدف‌مند انجام گرفت. شیوه ای، ایده‌آل در این نمونه‌گیری این
است که تا رسیدن به مورد اشباع (موردی که پس از آن اطلاعات جدیدی به دست نمی‌آید)
به انتخاب ادامه داده شود. در این پژوهش 12 نفر مصاحبه ادامه یافت: جدول (1)
مشخصات نمونه پژوهش و ویژگی‌های جمعیت شناختی آن‌ها را نشان داده است.

جدول (1) مشخصات نمونه پژوهش

<table>
<thead>
<tr>
<th>شرکت کننده</th>
<th>جنس</th>
<th>تحصیلات</th>
<th>رنگتی</th>
<th>ساله</th>
<th>شرکت کننده</th>
<th>جنس</th>
<th>تحصیلات</th>
<th>رنگتی</th>
<th>ساله</th>
</tr>
</thead>
<tbody>
<tr>
<td>1</td>
<td>مرد</td>
<td>دکتری</td>
<td>هنر</td>
<td>7</td>
<td>1</td>
<td>مرد</td>
<td>دکتری</td>
<td>هنر</td>
<td>7</td>
</tr>
<tr>
<td>2</td>
<td>مرد</td>
<td>دکتری</td>
<td>افسانه</td>
<td>12</td>
<td>2</td>
<td>مرد</td>
<td>دکتری</td>
<td>افسانه</td>
<td>12</td>
</tr>
<tr>
<td>3</td>
<td>مرد</td>
<td>دکتری</td>
<td>دانش‌نامه</td>
<td>9</td>
<td>3</td>
<td>مرد</td>
<td>دکتری</td>
<td>دانش‌نامه</td>
<td>9</td>
</tr>
<tr>
<td>4</td>
<td>مرد</td>
<td>دکتری</td>
<td>علوم سیاسی</td>
<td>10</td>
<td>4</td>
<td>مرد</td>
<td>دکتری</td>
<td>علوم سیاسی</td>
<td>10</td>
</tr>
<tr>
<td>5</td>
<td>مرد</td>
<td>دکتری</td>
<td>حقوق</td>
<td>1</td>
<td>5</td>
<td>مرد</td>
<td>دکتری</td>
<td>حقوق</td>
<td>1</td>
</tr>
<tr>
<td>6</td>
<td>مرد</td>
<td>دکتری</td>
<td>زبان خارجی</td>
<td>12</td>
<td>6</td>
<td>مرد</td>
<td>دکتری</td>
<td>زبان خارجی</td>
<td>12</td>
</tr>
</tbody>
</table>

3. یافته‌های پژوهش

پس از پیاده‌سازی مصاحبه‌های صورت گرفته با 12 نفر از متخصصان، 50 کد استخراج شد. این کد‌ها در قابل چهار گروه مضمون به شرح زیر دستی‌بندی شد.

1.3 چالش اشتغال در علوم انسانی

1.1.3 دیدگاه مخالف کسب‌کار علوم انسانی

بر اساس مصاحبه‌های صورت گرفته دو دیدگاه متفاوت در خصوص چالش اشتغال علوم انسانی قابل تجاوز است. دیدگاه نخست بر این می‌خود که علوم انسانی دانش‌آموز است از این نظر ریاضیات مهارتی صرف از آن داشته، در این نظر گرفته‌های علوم انسانی علوم علوم انسانی اند. این علوم اولیه به دلیل آنکه عمدتاً دانش‌های اشتغال مهارتی آن‌ها در نوع توانایی نیست و این اشتغال است و لازم است یکی به‌مثابه دانش‌های علوم و فراکر در نظر گرفته شود. در دو علوم انسانی به شغل وابسته نیست بلکه این علوم انسانی هستند که به‌وکله شغل آفرینی کنند. درواقع علوم انسانی به‌وکله علوم و خاصی‌تبار شده‌اند، بلکه دانش‌آموزی ایجاد چشم‌انداز‌های، تصبرت و درک مسائل را ایجاد خواهد کرد که لازمه موقت‌تی در شغل است. مشاورت‌کننده در این باره معنی‌دار است: آنچه که دانش محض تنها می‌شود همین علوم انسانی است می‌باید علوم مثل علوم زیستی و علوم فنی عمدتاً خدمت‌هستند، (...، از متعهد علوم انسانی را نیاز به شغل خاصی پیوند.
از دانش انسانی سرشناسی زایی در دانش خیلی قابلتر است. در همین راستا مشارکتی کنندگان معتقد است: ضرورتی هر دانش ناپایید به شغل منتقل شود/... مثلاً یکی از مهم‌ترین کسانی که مسئولیت شتاب‌گذاری و رشد علم انسانی دارند، به خود در حال حاضر یکی شغلی شخصی دارند که دوستی است و هیچ ارتباطی با رشته تخصصی ام ندارند. از روش‌هایی را دوست دارم و آن کسب درامد بکنم بدون آنکه ارتباطی با رشته تخصصی الکس هستد داشته باشد.

در همین نظرگاه ضعف و قوت علم انسانی را مبدأ ایجاد بسیاری از مشاهده‌های جدید در مهندسی می‌توان معرفی کرد. علم انسانی با تأثیرگذاری در جامعه به‌طور غیرمستقیم بر رفتارها معطوف می‌شود و ایجاد شغل‌های جدید از می‌گذارد. مشارکتی کننده 3 در این پازاره معطوف است... بسیاری از مشاهده‌های موجود به دلیل ضعف یا قوت علم انسانی در جامعه شکل‌گیرفته‌اند/... این خیلی واضح است؛ مثال بخصوص جراح نباید که شغل پردازد. یکی از بهترین است. یک صرفه‌دار، یا مثال‌ها شیربک و طلا جنگل و سایر متصارفی که به‌طور غیرمستقیم با علم انسانی ارتباط داشته و بازه‌های علم انسانی است. مشارکتی کننده 5 در این پازاره معطوف است: بسیاری از کارآفرینان موفق در زمینه‌های اقتصادی و تجارت دانش انسانی بلا بین دارت. ممکن است قارچ‌پزشکی علم انسانی ناپایید اما دانش انسانی بلا بین دارد. /.../ من کسی را می‌شناسم که با شخصیتی که از وضوحی روایت داشته توانسته درامد با این کارکرد. /.../ فایلی دارم بسیار فعال است در زمینه کسب و کار، شبکه خلا و وضع مالی خوبی هم دارد و قدرت می‌روانه دفتر کارش دخوت کرد، کتابخانه‌ای از کتاب‌های رشته ما داشت. موجه شدم یک استاد آموزشی در زمینه روشنایی، مدیریت و اقتصاد است. جالب است که بدانید آیا تحقیقات کارشناسی فنی هم دارد/ اما کتابهای علم انسانی را زیاد می‌خواند. به آنجا که گفتم چرا این رفتار علاقه‌داری ادامه ندادی در دانشگاه، ایکتا کتابی گرفت: من عقلام کارکرد.
در این دیدگاه تبدیل شدن به شغل باعث کاهش ارزش‌های ذاتی (رسالت انسانی) این علوم دانسته می‌شود. این بدان معنا است که به دلیل رسالت علوم انسانی ارزش این علوم ماهیتاً متفاوت از ارزش سایر علوم است. بر این اساس نباید علوم انسانی به کسب و کار پیوند بخوره؛ بلکه اساتید علوم انسانی در جامعه با دیدگاه‌های اگتشه‌ی می‌شوند یا به دلیل کم‌توجهی فروکشته شده‌اند. در این رابطه مشارکت کنندگان ۴ معتقد است:

علوم انسانی برای رشد فضایی و خصوصی‌های انسانی و به معنای عالم آن است. علوم انسانی این گروهی که در این ارائه ارائه می‌شود، از این نظر با دیدگاه‌های عالمی که پیشتر بوده و نبوده در رونق دنیای امروز بزرگ‌تر و در این زمینه می‌تواند کاربردی‌تر باشد.

۲.۱.۳ دیدگاه موافق کسب و کاری شدن علوم انسانی
در دیدگاه دیگر درست نظر می‌گیرد که علم و علوم انسانی به عنوان یک نوع فعالیت فردی و جویانه باید در دنیای جهانی جایگاهی داشته و در کاربرد علم‌اتری ایجاد شود. این دیدگاه یکی از مسائل قابل تأمل در کاریست علوم انسانی چالش ایجاد الاین علوم از نظر فردان تعريف شخص برأی ما به ازای ارزیابی آن است. در دلیل گسترش گویند علوم انسانی برخی از رشته‌ها و که ما به ازای ارزیابی براهانه تعريف شده است اعتبار و گذار دارد و برای چندان جاگاهی ندارند. مشارکت کنندگان ۲ در این جریان بطوری می‌گوید: وجود شغل براشین هر شب‌هایی می‌توانند انتقال آن را به کاربرد اجتماعی بسب‌ی که شود در این رهایی چه دیگر. این جریان در دنیای جهانی با این مسئله برخورد می‌شود. در این رهایی که به ازای کار دارد. چنین حالی بپیش که داشتن کارشناسی ارزش را بسیاری یا با مثل مجلس نژاد که این جریان می‌تواند از رشته‌های علوم انسانی زیاد شد. یک دلیل مهم آن همیشه نیاز پیوندی برود.
در همین راستا دیدگاهی وجود دارد که بیان می‌کند علوم انسانی، علم به معنای کاربردی دیده‌نامه شود. در واقع به دلیل آنکه شغل مشخصی برای انجام دادن در ذهن جامعه برای بیماری‌های این رشته‌ها تعیین نشده است دانش تخصصی برای کاری دانسته‌ای شود. در این رابطه مشارکت کننده ۱ معتقد است: از این نگاه جامعه عرضاً می‌کنند چکه جایی در مشاغل علوم انسانی وجود دارد اگر دقت کنید بیماری‌های این علوم که شغلی برای آن تعیین نشده است نیستند. از این رو فرقی نمی‌کنند که طرف‌های مدیریت دانش باشد برای استفاده مثالی برای پزشکی به مهندسی شما نیستند. مدرک مدرکی داشته باشید ولی اگر پزشک باشد یا مهندسی می‌توانید مدیر یک اداره با بیمارستان هم پاشا باشید! این عنصر مدیریت ضرورتی نیست بلکه دانش تخصصی نیست.

مشارکت کننده ۲ در این باره می‌گوید: همین دیروز بوده است از من درباره رشته‌مان پرسید گفت‌های‌من خواندیت من خواننده من چه؟ اگر مشخصی نداشته‌یا مدت حرکت برید و گفت این‌ها که می‌گوییم شعر است البته چه‌یا روزی؟ گفت‌های می‌می‌شنم! عنصر! این‌ها که کمکیمی می‌شود! آنجا بود که احساس کردیم مردم حرف‌ها متوقف به رشته‌هایی مثل ما نهاده می‌کنن.

در این دیدگاه دانش انسانی فی ذهن ماهیت ارزشمندی نیست و ارزش آن به کاربردی است که برای جامعه دارد. در این روز کرده می‌تونی ضربه دست‌بایی به شغل برای هم رشته را نشانگری برای اعتبار آن دانست. استقبال افراد عمداً در رشته‌های محس نمی‌گذارند با دلیل علاقه فردی است. جانشین بسیاری از عدم شغل زایی نه آگاهند. مشارکت کننده ۲ معتقد است: اگر به تیز به مدرک کارگاهی گذارشته شود، شیبی در دانشگاه‌های دولتی نیست و این در دانشگاه‌های غیردولتی استقبال دانشجویان از رشته‌هایی که شغل دارند نیز به حساب می‌آید. است که به سری رشته‌ها تعطیل می‌شود. به دانشجویان وقایع می‌گویم. این رشته را انتخاب کردیم می‌گویند امیدواریم برای آن کار هست استفاده! مثالی یکی از آن‌ها یا خنده به چپ‌ها که مشوقی به دانشگاه که می‌شود!

۲.۳ جالب اقبال اجتماعی

در خصوص جالب اقبال اجتماعی عنصر اصلی یا علت جالب اقبال اجتماعی شامل فروکش مزدوم اجتماعی رشته، نقل‌گرایی کاربردی، فضاپذیری فرهنگی، توزیع در گفتمان علوم انسانی، فقدان آگاهی و دانش اجتماعی در دانشگاه هستند. مشارکت کننده ۶
علم انسانی در سپر نسل سوم دانشگاه تهران (قائم‌الله خوشبویان و دیگران) 91

دانش انسانی به دلیل فقدان آگاهی اجتماعی نسبت به بکارگیری آن در جامعه کمتر گشته است. اگرچه کاربرد علم انسانی به‌ویژه بخشی از انگاه‌های علم انسانی توسط مردم در تعاملات بکار گرفته می‌شود اما کمترند. شکننده‌ها دانشگاهیان آن دانش علم انسانی را با چالش‌های اجتماعی مواجه خواهند کرد.

مشارکت کننده ۹ معقد است: مردم کمتر در مورد علم انسانی می‌دانند و همچنین معقد شده است. مطالعه علم انسانی با وقایع اجتماعی روبروی مردمی می‌گردد. در مورد مسائل اجتماعی گوش می‌دهند تنها می‌شود در برخورد با خانواده و فرزندان تحت فشار اشتاء می‌کنند. همچنین یک نمایش با پیشبرد کشفیه برای فرزندان یا شانه سالمندان خل کرد. جامعه انسانی بدون علم انسانی معنی مکانیکی ندارد.

از این رو نیاز انتقال داشت برای خانواده‌ها همیث رشته‌های دانشگاهی غیر علم انسانی به منزله اجتماعی بدل شود. این مسئله به مراتب در بین خانواده‌ها به چشم می‌خورد. مشارکت کننده ۶ معقد است: من به‌وضوح می‌پندم که برخی از خانواده‌ها با اختصار می‌کنند. فرزندان پژوهشی ها در نهایت، با وقایع اجتماعی و رویدادهای علم انسانی نخواهد. ترجیح مردم به بهبود راه حل‌های اجتماعی‌ها استفاده کنند.

مشارکت کننده تهران با علامه اما رشته برایانشان چندان مزمن‌تفریحی نیست. با این وجود استیلی رشته‌های انسانی چندان کم نیست. اما استیلی به این روش‌ها به دلیل ابزار اجتماعی بخش. در این باره مشارکت کننده ۵ معقد است: وقتی سر کلاس دانشگاهی از بعدها به مرسم چرا علم انسانی را انتخاب کردیم. برخی درد تغییر و رویدادهایی می‌گویند علی‌چه که می‌توان چرا کمی از ترس راه‌های جدید است یا به خاطر اینکه آسانتر است. برخی هم می‌باید دلیل نبگی در رشته‌های دیگر توانستند. خاطر کننده آماده است. همچنین همین‌طور که به خاطر علاقه آماده. من این را در سطح‌های نیاز این کمی گرفته. در مطلع کارشناسی علاقه خیال عامل مهمی نبوده است. چون دست‌های زیادی وجود نداشت.

علوم انسانی از مظر مردم معتقد اند دانش‌هی درست نیست. از این رو احساس می‌شورد بسیاری آن را می‌دانند. این در حالی است که دانش انسانی بیکی از جامعه‌های جدی است که به نظر برخی هنوز جامعه به مطمئن ادراک آن ترسیده است. در این رابطه مشارکت کننده ۵ معقد است: به نظرم من توسعه‌یافته‌های از رشد علم انسانی است. (و...) من غیر از
معادل استاتیکی که می‌شناسیم چنین دنگش‌هایی را به طور مستقیم، اثبات می‌کنیم هنوز به سطحی از رشد یافتگی که داشت انسانی دنگش‌های اصلی باشد نرسیده‌ایم. مثل هم‌آمیزی‌ها که خیلی در سطح اول همچنان درگیرند.

علوم انسانی به دلیل ایده‌های بصری و بیش اجتماعی و فرهنگی اهمیت راهبردی برای جامعه دارند؛ فرکست آن به دانش مدرسه‌ای و تقلیل کاربرد اجتماعی آن تا حد زیادی جامعه را به یک اکسپرسیون جدید مواجه می‌کند. مشارکت کنندگان 8 معقد است: با خیال‌های صحبته می‌کنیم این تصور وجود دارد برخی از رشته‌های علوم انسانی کاربردی به این جامعه ندارند. (و...)، مثلاً کسانی که فلسفه می‌دانند اهمیت‌های از هستند. فلسفه درک افراد را بیشتر می‌کند. کسانی که ادیان و تاریخ می‌مانند، تقصیری‌های علم‌های تاریخی می‌گیرند. (و...)، مثلاً وکی می‌پیوند جامعه به‌عننک پول پرست به‌عننک نئوپولیتیک و فلسفه نمی‌رده‌اند. نمی‌بندند پول هم از جمله خوب نیست. به‌عننک رفع نیاز‌های پول پرست است و عدد پایان‌نیابی‌ها تاریخ می‌گیرد. هیچ‌چیز جز انسانیت ماده‌گران نیست: بیل را بیابید، کاشت و کاشت، مکردن، مولوی، ملاصدرا غیرازایین می‌گیرید؟

3.3 زیرساخت‌های توسعه‌ای علوم انسانی

در خصوص زیرساخت‌های توسعه‌ای علوم انسانی عناصر اصلی چالش زا در زیرساخت‌های توسعه‌ای علوم انسانی شامل رشد، عضویت و ارتباط جنسی، قابلیت کارکردی، رقیقی، بهینه، تعریضات مفهومی به‌عننک در جامعه است. دولت‌ها نقص‌های پیدا در تقویتی با تضعیف دانش انسانی در جامعه دارند. عدماً دولت‌هایی که زاویه‌های تاریخی با دولت‌های پیشین عضویت ندارند از زاویه‌های تاریخی دولت‌های پیشین احتیاج می‌کنند. از سوی دیگر نشان داده‌اند، همین امر پیشنهاد عملکردی در تاریخ به انجام داده شده که نشانه‌های اولیه اعمال قدرت نرم است. در همین راستا کد 3 معقد است: به‌عننک قدرتی که نشانه‌های اعمال قدرت نرم است. در همین راستا کد 3 معقد است: به‌عننک قدرتی که نشانه‌های اعمال قدرت نرم است. در همین راستا کد 3 معقد است: به‌عننک قدرتی که نشانه‌های اعمال قدرت نرم است. در همین راستا کد 3 معقد است: به‌عننک قدرتی که نشانه‌های اعمال قدرت نرم است. در همین راستا کد 3 معقد است: به‌عننک قدرتی که نشانه‌های اعمال قدرت نرم است. در همین راستا کد 3 معقد است: به‌عننک قدرتی که نشانه‌های اعمال قدرت نرم است. در همین راستا کد 3 معقد است: به‌عننک قدرتی که نشانه‌های اعمال قدرت نرم است. در همین راستا کد 3 معقد است: به‌عننک قدرتی که نشانه‌های اعمال قدرت نرم است. در همین راستا کد 3 معقد است: به‌عننک قدرتی که نشانه‌های اعمال قدرت نرم است. در همین راستا کد 3 معقد است: به‌عننک قدرتی که نشانه‌های اعمال قدرت نرم است.
علم انسانی در سه نسل سوم دانشگاه تحلیل... (فاطمه خوشنویسیان و دیگران) ۹۳

باشد. برای همین در طول تاریخ بیش از صاحبان خرد انسانی و اجتماعی هستند که عموماً با دولت گلوار و مسئولان در مورد اقلاب‌ها همین آگاهی‌های است که می‌دهند.

علم انسانی پیوند خورده با استاندارد قدرت رشد قابل توجهی نسبت به بخش دیگر آنکه رویکردها درک اندازه‌گیری دارد محسوب می‌شود. برخی از بررسی رویکردهای فکری تحمل از افزایش قدرت و دانش ساختاری به آن اعمال آن به پیکره جامعه نگرش می‌نمایند. آنها بیشتر رشد زیست‌آمیزی علم انسانی را معرفی به میان بینان آن با جوامع قدرت می‌دانستند. مسئولیت کننده ۱۰ معتقد است: همه رشته‌های علم انسانی در حاشیه نبستند. برخی از آنها که نوان اعمال قدرت دارند، اهمیت بیشتری بهداشت یافتند. این قدرت به دلیل ارتباط آنها با تناهی قدرت و سیاست در جامعه است. مثال حقوقدار انتخابی ما اعتبار خلیفه را دارد به همان نسبت علم تربیتی اهمیت کمتری دارد. در اینهم آمد که در جامعه راون و کلا به دلیل نبودن جرم بن کار شانها. این یعنی جامعه‌ای که در آن جریان خلیفه است. درست است من زاین رفتارهای آنها فاصله‌های قدرت پایین است، مدرم آرام‌تر. خصوصی زبانه بیشتری دارد، جمع‌کردن. اما نشانه‌های تازه‌تر از خواهد دید که افراد را تهدید می‌کند. مراقب رفتارها خانواده‌ها شکننده طبقه انسان ناکنوان مجازات شالاک خواهند داشت! این تأثیرها را چگونه تعبیر می‌کنیم؟ این‌ها یعنی جامعه با فاصله قدرت بی‌بالای اینجا هر چیز به قدرت بینان بخورد اعتبار دارد.

یکی از علت‌های ضعف در توسعه زیست‌آمیزی علم انسانی این بوده است که این علم توانسته‌اند نیاز جامعه را پاسخ دهند و سطحی بالاتر نیاز آفرینی کنند. این موضوع دارای سطح تحلیل بود. برخی بر این باشند که گوی سیفت در حفاظت اجتماعی و انسانی در سایر رشته‌ها گرفته‌اند. برخی دیگر به دلیل آن را در فرهنگ ادبیات و کودک‌فکتی بازگاه مسئول انسانی روش‌هایی را استفاده کرده‌اند که هنوز به سطح مردمی‌ای که در طرح انسانی توقف‌هایی و علت آن را در تحولات مدرنیت زندگی می‌دانند. در همین راستا مسئولیت کننده ۹ معتقد است: جامعه ما درد فهمیدن خودش را نداریا. اگر مردم طبیعی یک کلمه می‌شنود، فکر می‌کنند خیلی می‌دانند؟ در همه امور این طوری هستند. (این) ممکناً پژوهش‌های انسانی نیاز نداریم! برای همین هست جامعه از پژوهش‌های بیشتر استقبال می‌کند. تا جامعه شناسانه ابزارهای فرهنگی شناسانه جامعه در این سطح می‌تواند است. تحولات مدرنیت زندگی امروز به این امر محدود نمی‌شود. یکی از چالش‌های بزرگ جامعه ایران که در چند دهه اخیر شدت یافته است مسئله پرورشی شدگی جامعه ایران
حقه علوم انسانی با چالش ثباتی، شکل مراحل و پدیده‌ها در آن رخ می‌دهد. دور از اینکه محصولات کمتر عویقی و قابلیت شده‌شدن و سود اینکه برای همه مردم قابلیت درک ندارد/…/من خودی جدیدی مقاله و کتاب نارم بیش از اینکه ایشان نگشته شود رفتارم. طرز تکمیل و تکمیل‌سازی هم با این فرق می‌کرد. برای نوشتن آنها مجبور شدم باعمل‌گیری علم انسانی در رشته‌های دیگر خواهم، نگاهی به جهان تحت تأثیر قرار گرفت. این تغییر را به اساسی نمی‌توان نشان داد. افراد خودشان احساس می‌کنند.

به نظر می‌رسد دلیل عمده چنین اتفاقی در تولیدات علوم انسانی از چند منظور قابل تأمل باشد. نخست اینکه درخت ان تولیدات می‌تواند افزایش و گرانش وعداد وارد شوند. دیگر اینکه در این تولیدات علوم انسانی با هدف علوم انسانی باشد. آن‌های که به سختی باید، با هدف اقتدار دشواری شاند می‌توانند. از این را بپیدا در ورود افراد به رشته علوم انسانی وقت بیشتری کرد. در همین راستا مشارکت کننده ۸ معقید است: در توسعه رشته‌های علوم انسانی برای هر یک تقریبی نشانه است: همبستگی تصویر قابل بوده که سردر زرتشت‌های ریاضی و تجربی برون هر انسان با خریداری قدمی. این هم این واقعیت دلخواه و جدیدی‌های با کمک زرتشت‌های دیگر می‌شود. در حالی که این زرتشت ریاضی با دانش‌ها می‌خویم بود یک کارکرد با اعمال آن‌ها نمی‌پردازد.

در همان دوران، دیسرانت کتاب‌های علم انسانی را به خاطر جامعه‌شناسی انتخابکرده و تاریخ شاد است: این احساس را داشته که اگر علوم انسانی نخوانیم به ندرت نخواهیم انجام رشته‌ها است.

یکی دیگر از زمینه‌هایی که می‌تواند به توصیفی این علوم در عین ایجاد مکانیک است: آسیب‌زا هم باشد کمک کند علوم انسانی دیجیتالی (رقیقی) شده است. مشاکل کننده ۲ معقید است: علم انسانی می‌تواند، حتی یک چند، یک اثر هنری باشد، توصیف فضاهای رسانه‌ای زمینه‌هایی برای خلق این آثار و مشاهده آن ابزار کرد است. فعال از مسائل مرتب به حقوق مدنی و تبعات مخرب آن این امر تا حد زیادی به توصیف زیرساخت علوم انسانی کمک خواهد کرد.

۴.۲.۳ چالش رشد علوم انسانی (تولید علم)
در خصوص بحث چالش رشد علوم انسانی مسائلی جون مستند جامعه، قابلیت پژوهش‌های علوم انسانی، کارآفرینی علوم انسانی، قابلیت‌های بین‌المللی شدن علوم انسانی
راشی علوم ویژه، معنای اصلی یا چالش‌هایی که مواجهه کارآفرینی است. می‌توان توجه گرفت که کارآفرینی، علوم انسانی، متفاوت از کارآفرینی در سایر رشته‌ها است. در این رابطه نظریه‌نگاری، ۹ معنی است. به نظر می‌رسد کارآفرینی انجام به معنی خلق یک ایده، اثر نظریه و تفکر جدید است. کارآفرینی علوم انسانی، یعنی کسی که تولید نباید و خلاق در حوزه علوم انسانی دارد. حجم کتاب‌ها و نوشته‌های مناسبی برای رشد این علم نیست؛ برای یک چنین سلسله در این حوزه ازگذار است. بسیاری از همکاران ما و دانشجویان تخصصی سفارش کتاب و مقاله می‌دهند به شرکت‌هایی که برای ایجاد این شرکت‌هایی است. بهنام‌ها حوزه نمی‌کند. چون نویسنده قصدش نوشتن برای علوم انسانی نبوده است.

شاهد یکی از دلائل فقدان چنین تغییر به جامعه است. در نگرش سیستمی مبتنی محقق به منابع یک متقاعد اجتماعی به سازمان‌های بین‌المللی جامعه نگاه می‌کنند. از این رو علوم انسانی به طور ویژه این طرفیت را به‌طور کلی ایجاد سیستم مند سازی می‌دهند. نظریه‌نگاری، ۹ معنی است: نوع ثبات به جامعه در حوزه علوم انسانی، مسئله‌های مسئله‌ها نیستند. دانشجویان اصلی در جامعه، توسط علوم انسانی، شناخته شده‌اند و در بهترین حالت‌ها اکثر شناخته شدند سیستم مند درک نمی‌شود. [۸۹] علوم انسانی، نویسنده‌ها است. به این جمله، فقدان روبرو کردن سیستم‌های به علوم اجتماعی، نه تنها چالش‌های جدید به حساب می‌آید بلکه خود بسی می‌شود پژوهش‌های علوم انسانی از اعتبار کاربردی و ریشه‌پذیر لازم برای بکارگیری در جامعه ساقط شوند. در واقع پژوهش‌های علوم انسانی، بدون سیستم، جامال‌ها، دانشگاه و نیاز‌های اجتماعی را کارمندی نمی‌کند بلکه تلاش می‌کند نمو و ساختاری از منابع لذت بخش تا تجلیل از هر منبع تجربی که در این رابطه نظریه‌نگاری ۹ معنی است. شاید، هم هم‌سازی شده باشند که پژوهش‌های علوم انسانی، بهترین کسب انگیزه‌هایی نیستند. [۸۹] ما اندازه‌گیری از علوم انسانی را در حد بودجه‌هایی که به آن اختصاص می‌دهیم کاهش دادیم. این ابزارهایی، پژوهش‌هایی که را کاهش خواهیم داد.

یکی دیگر از چالش‌هایی مطرح در این زمینه طرفیت علوم انسانی برای تبدیل شدن به زبان کتابخانه قراری است. شاید هیچ علمی این طرفیت را به کمک انسانی بپرسید. انسانی فراهمی دارد. نام‌نام‌ها باشند. در این خصوص که ۹ معنی است: علوم انسانی از یک منظر علوم درون‌زده هستند به دلیل اینکه اینها از مسائل درون جامعه شکل می‌گیرند. اما...
علم انسانی در سه توالی سوم دانشگاه تهران (+فاطمه خوشبویان و دیگران) 97

کد قابلیت دیگر برای علوم انسانی نیز تعریف می‌شود و آن به‌ویژه در علوم انسانی است. به نظر می‌رسد در این زمینه، چالش‌هایی وجود دارد. ترجع به ما خیلی کمک می‌کند اما جهت آن همیشه به تفعیل نیست. کتاب‌های اصلی ما که عمدهاً تولید تابع ترجعه می‌شوند. اما کمتر ترجعه‌های تابع جدید اتفاق می‌افتد.

آگرچه ترجعه باید جدیدی در رشد و توسعه علوم انسانی ایجاد می‌کند اما به دلیل تفاوت‌های جدی، این علوم با علوم تجربی و فنی ترجمه‌ای بودن آن نمی‌تواند کاربرد آن در عمل پذیرش کند. در این حیطه، کمک‌هایی برای همکاری در علوم به‌نحوی‌های تابع در علوم انسانی نموده‌ی بشریتی دارد که باید توجه بیشتری و به‌ویژه در علوم دیدگاه‌های کارکردی و غربی صحتی که در زمینه‌های مختلف دارد، کناری به‌طور مثال مانند دانشگاه مرکزی، که جزء از مبانی مارکس‌بجنیال‌می‌باشد. از شاید که در حالی مطالعه و مارکس‌بجنیال نموده‌ی بازگردد.

توجه در اینجا امکان را فراهم می‌آورد که دانش انسانی در تبادلات بین‌المللی تضارب آرا ایجاد کند و از این‌جای دیدن انسانی بودن تشخیصات و تفاوت‌های دیگری را نشان دهد. واقعیت این‌جای که ظرفیت علوم انسانی با توجه به واقعیت‌های موجود برای ایجاد بستر تبادلات فرهنگی مناسب ارزیابی نمی‌شود. کد ۶ معقد است: علوم انسانی مثل هر علوم دیگر زمینه‌های ارتباطات بین‌المللی را فراهم می‌کند. واقعیت این است که ریزان علوم انسانی همچنان دچار لکن‌های است. (مثلاً) سبب‌های از اندیشه‌های ما ارتباطات بین‌المللی دانه‌ای این چک فرض جاس این است که اصلی استفاده‌ای می‌گردد.

شاید بک یکی از راه‌کارهای تقویت چنین امکانی استفاده از ظرفیت ارتباطات بین‌المللی باشد. این موضوع با توجه به نتایج بررسی‌های تربیتی در حوزه علوم انسانی نواندیشگر اثرگذاری لازم را داشته باشد که حتی آسیب‌زا نیز ارزیابی شده است. در این راستا کد ۹ معقد است: بکی از اشکالات جدی یا اکادمیکی‌ها چون مطالعه در زمینه‌های خارجی است. این شاخص اگر در سایر علوم مسائلی گرفتار نبودند در علوم انسانی که از این منظره است. علوم انسانی نمی‌توان و نیاز به تولیف مکانیکی مقالات اشتهای گرفته شود (مثلاً این کامی نیست و جلوی تولید علوم انسانی را به دلیل ناهم‌تری در روش‌های پژوهش خواهد گرفت.

اگری این بدان معنا نیست که علوم انسانی واقعی ظرفیت چپ فرهنگی است آما علوم انسانی در معنای اصلی خودش به دلیل درون‌زدای بودن مستلزم توجه به سویه‌های درون‌یک است. مضاف بر این علوم انسانی از ظرفیت عالمی بودن و فراگیری نیز برخوردار است و
می توان از آن به عنوان امکانی برای رشد بهبود برداشته نومد. در این رابطه که ۱۱ معنی است:

انشداران در حوزه علوم انسانی کم نیست، علاره بر این افزش علمی شدن به معنای
عمومیت یافتن دارد. اینکه می‌تواند در مسئله علمی بی‌ ingres و ریاضی ندارد، با خیالی‌ها برای خواندن، یا شعر و داستانان، اینها طریقت‌های‌ی نشری‌ای
حوزه است. حالا شما حساب کنید در فضای مجازی چقدر می‌تواند گسترش یابد.

۴. بهت و تجربه گیری

نتایج این پژوهش نشان داد برای نیل به علوم انسانی کارآفرینی توجه به منابع فرا روی آن
اجتناب‌نداشت است. گرچه روابط کارآفرینی به‌مانند کسب‌وکار، در سه‌گانه علوم انسانی
موردنظر است؛ اما وجود نزاع بین مخالفات و موانع کسب‌وکاری، شدن علوم انسانی که
نامی از خوانش متفاوت از کارآفرینی و رسالت و گستره علوم و دانشگاه است.

سبب‌ساز دستیابی حتى به خوانش کسب‌وکار محور است. فاضلی (۱۳۹۶) در همین راستا
با رویکرد غیراقتصادی با قابلیت اشتغال علوم انسانی تأکید می‌کند؛ فاضلی بر قابلیت
اسطح‌یابی، مستقلی و عادی علوم؛ آن را مکمل اقتصاد و نه اقتصاد را ضرورت‌های رشد
تحصیل می‌داند، در نقطه مقیباً پژوهش صفری و سیمین زاده (۱۳۹۱) بر رویکرد اقتصادی با
محوریت تقویت محتوی ارزش کارآفرینی به رشته‌های علوم انسانی با دیدگاه موانع
کسب‌وکاری شدن علوم انسانی هم‌سرور دارد. همچنین تاکید این پژوهش تا حد زیادی با
نتایج پژوهش هولم و همکاران (۲۰۱۵) در زمینه چالش‌ها علوم انسانی هم‌خوانی دارد.

فارغ از این مبادله که ناشی از انتقاد درون رشته‌ای، تعمیم‌خواهی و دیگری سازی
از خوانش های رزبی است؛ علوم انسانی در سه‌گانه اجتماعی با چالش‌های مواجه است;
موضوعی که منبعی جدی برای بدلیل شدن آن به یک گفتگو غالب در جامعه خواهد شد.
این امر به دلیل منبت اداره‌ها و کارکرد انگیزه‌ی از یک‌اداع رشته در حوزه اجتماعی
است. در حوزه اجتماعی و زمینه پیروزی از دانشگاه در کسب‌وکاری علوم انسانی
که از ضعف آگاهی از طریقت کارآفرینی این علوم ناشی می‌شد؛ سیستم‌سازی ابتدایی
تقلیل‌گرایی و توزول در گفتگو علوم انسانی است. این موضوع باعث می‌شود گفتگوها
در گروه‌های دائمی فردایی ایجاد، پرچم‌نگری گشایی و رشد ضروری‌های در حوزه‌های مهمی
چون خانواده، شهر و حتی دانشگاه رخ می‌کند. کردار نب در اثری با مقیاس گام‌گذاران
پژوهشی همین موضوع انتقاد می‌کند که تلاش پژوهان برای فردایی در جامعه به‌رامی
توجه به شاخص‌های عیبی همچون مجدد تعداد مسائل مسترشده در همین حوزه نویع

فروکاست به ساخت رشد یافته علوم انسانی است.

موضوع دیگری که ماهی برای کارآفرین علوم انسانی است جالش تبادلات این علوم در گستمان سازی داخلی و گفتگوی فرازمینی و فرامنسی است. علوم انسانی به عنوان زبان مشترک انسان‌ها این قابلیت را دارد که هم در داخل از مباحث هم فیزیک و هم انسانی مدرن می‌بدل شود. شواهد نشان می‌دهد علاقه مدرن نسبت به موضوعات مانند تاریخ، ادبیات و باستان‌شناسی زیاد است (Pearson, 2010). این در حالی است که هر مدرن در جامعه ایران عمداً دغدغه‌ها اقتصادی و سیاسی را در اولویت دارد (شریفی، 1395).

به نظر می‌رسد "توالد نام" در حویز کارآفرین علوم انسانی تا حدی زیادی بهانه علوم انسانی را کاهش دهد. در اینجا کارآفرین، "از ارزش آفرین" و "باور آفرین" است. به این معنا که می‌تواند دیدگاه‌های مستقل در زمینه‌های مختلف از آنچه سوراخ آن را بیماری‌ها است را نشان دهد؛ از این رو می‌توان کسانی به علوم انسانی رهتمان هستند که از دریچه بیماری‌ها باز هر و ترس تصاحبی به عنوان علوم راه نیافته‌اند. به نظر می‌رسد حذف رقبای هوا در دانشجویان به تکنیکی تریبتگی می‌کند این راستا مسئول بخش. برنامه ریزی آموزشی، عملیات و شاخص همچنین کارآفرین و موفقیت حوزه‌های علوم انسانی نشان بدهد این زمینه دارد.
1. این مقاله برگرفته از رساله دکتری می باشد.

کتاب‌نامه

اصغری ف. (1390). علوم انسانی از دیدگاه صاحب‌نظران. انتشارات پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.

آرامش ح، جاهد ج، (1390). ساختار سازمانی مناسب با دانشگاه کارآفرینی و کارآفرینی هم‌مانش بین‌ملی.

حامی، ج، (1393). چالش آموزش علوم انسانی در دانشگاه‌های ایران: یک مطالعه کیفی، پژوهش در نظام‌های آموزشی، 1395، دوره 10، شماره 32.

داوری، م. (1389). چالش‌های علمی‌سنجی در حوزه علوم انسانی در مقایسه با سایر حوزه‌های علم.

مطالعات تربیتی و روان‌شناسی، 1405، شماره 8.

زیباکلام، ص. (1385). سراسر علم سیاسی در ایران: کتکانی در اسباب و عقل عقیده‌مندگی علم.

سیاسی در ایران، در جبهه مقالات سمینار ویژه، آزمون و پژوهش علوم سیاسی و روابط بین الملل در ایران.

شریعتی، س. (1393). کتاب در موانع پنهان آموزش جامعه‌شناسی هنر در ایران، مرکز پژوهش‌های ایرانی و اسلامی.

شریفی س. (1395). آگاهی زندگی در کلاش‌ها، رسانه دانشگاه آزاد اسلامی واحد.

اصفهان

صفری س. سعید زاده، (1391). تئوری‌های آموزش دانش و مهارت کارآفرینی در رشته‌های علوم انسانی، فارغ‌التحصیلی، دوره 7، شماره 1.

فاضلی ن. (1395). چیست، چرا و چگونه کاربردی‌سازی علم انسانی و اجتماعی، در کتاب در آموزش کارآفرینی و کارآفرینی جديدة علم انسانی و کارآفرینی در ایران.

فاضلی ن. (1397). علوم انسانی و اجتماعی در ایران: چالش‌ها، تحولات و راهبردها. دانشگاه پژوهشگاه علم انسانی و مطالعات فرهنگی.

قریانی موید، ز. (1386). بررسی ویژگی‌های دانشگاه کارآفرین در دانشگاه تربیت مدرس، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.


